

یک دختر پس از تجاوز جنسی بر وی در ولایت بغلان از چنگ رابیندگانش نجات داده شده است

پولیس بغلان روز جمعه به خبرنگاران گفت: این دختر را که به کرات مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است نجات داده و ربایندگان را نیز گرفتار کرده است.

هر چند مینا از چنگال ربایندگان و ظلمی که بر او می شد نجات یافته، اما اضطراب و هیجان روحی، و حالت پریشانی اش حکایت از آن داشت که این دختر خود را برباد شده و غرق در بد بختی ها می دید که در آن هزاران دختر مانند خودش در چنین جامعه جای برای بهتر زیستن ندارند.

دست های شکسته و زخم های خونین و عمیق که بر گوشه گوشه بدن او دیده می شد، نمایانگر آن بود که این طفل دوازده ساله بی اندازه شکنجه شده و بعد از آن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است.

این طفل که وضعیت روحی بد داشت و از شرم نمی خواست به پرسش های خبرنگاران جواب بدهد، فقط اشک می ریخت و می گفت:

دهنم را بستند و مرا کشان، کشان به خانه خود شان بردند و باید کشته شوند».

اما خدا دوست کاکای مینا که این افراد حین ربودن او پسر سیزده ساله اش را نیز کشتند، چشم دید اش را از جریان حادثه چنین بیان می کند:

ساعت ۹ شب بود که خانه ما از چند طرف مورد آتشباری قرار گرفت که در جریان آن بچه سیزده ساله ام مرمی خورد و جای به جای کشته شد. من مصروف بچه شدم که چند مرد مسلح داخل خانه شده و دختر را با خود بردند، من سلاح نداشتم اگر می داشتم اینها چنین بد کرده نمی توانستند. من عجالتاً به پولیس زنگ زدم و پولیس مینا را فردای همان شب نجات داد و قاتلین را گرفتار کرد.

من از دولت می خواهم که اینها را اعدام کند تا دیگران پند بگیرند.

سید زمان الدین حسینی آمر امنیت قوماندانی امنیه ولایت بغلان می گوید، ربایندگان که مینا را در یک حویلی در قریه ترکان خنجان مخفی کرده بودند در یک نبرد رویا رویی چند ساعته همراه با سلاح دست داشته شان گرفتار شدند و مینا هم نجات یافت.

آقای حسینی از ارگان های عدلی و قضایی کشور خواست تا این جنایت کاران را به اشد مجازات محکوم کنند.

اما اینها بخصوص زمری یکی از این مجرمین که به جرم اش اعتراف کرده حکایت دیگری از این ماجرا دارد. حکایت از بربادی دختر بی گناه که قربانی جنایت پدر شد.

او می گوید سال قبل پدر مینا بر خواهر جوانش تجاوز کرده و از اینکه دولت او را مجازات نکرد، او هم انتقامش را از دخترش گرفت.

او در جواب به این سوال که گناه دختر چه بود که او را به این روز رسانیدی، گفت:

طعنه های متداوم سیال و شریک و سر افگندگی در میان مردم مرا به این حماقت واداشت.

هر چند حقیقت این ادعای متجاوز بر مینای دوازده ساله روشن نیست، ولی اگر احتمالاً هم درست باشد، انتقام پدر را از طفل اش گرفتن کار غیر انسانی شمرده می شود و قانون آن را در رده های بالایی جرم و جنایت قرار داده است.